



به یاد

رفیق "نوراحمد نور"

فروزان ستاره‌ی آسمان جنبش انقلابی افغانستان

نمی‌دانم پس از مرگام چه خواهد شد
نمی‌خواهم بدانم کوزمگر از خاک اندام چه خواهد ساخت
ولی بسیار مشتاق‌ام که از خاک گلویم سوتکی سازد
گلویم سوتکی باشد به دست کودکی گستاخ و بازی‌گوش
و او یک‌ریز و پی‌درپی، دم گرم خودش را در گلویم سخت بفشارد
و خواب خفته‌گان، آشفته و آشفته‌تر سازد
بدین سان بشکند در من
سکوت مرگبارم را
"مرتضی موسوی‌اهری"

با سلام خدمت همه‌ی شما سروران و سپاس فراوان از حضور صمیمانه‌ی شما عزیزان.

بیش‌تر از ۲۵ سال است که عضو فامیل پرجمعیت و پرافتخار رفیق "نوراحمد نور" هستم.

در تمام این مدت، من و رفیق "نور" هیچ‌گاه مانند دو عضو فامیل در کنار هم نبوده‌ایم، بلکه همواره مانند دو رفیق، من از اوضاع سیاسی افغانستان از او سوال می‌کردم و وی علاقه‌مند به شنیدن اوضاع سیاسی ایران از جانب من بود.

به همین خاطر از شما اجازه می‌خواهم که امروز، علاوه بر عضو فامیل رفیق "نور"، همچنین به عنوان یک ایرانی، که خودش را متعلق به جنبش انقلابی ایران می‌داند، خلاصه‌ای از زندگی نامه‌ی رفیق "نور" عزیز را خدمت شما ارائه کنم.

رفیق "نوراحمد نور" در ۲۴ ژوئیه ۱۹۳۷ در شهر "پنجوائی"، در جنوب غربی شهر "قندهار" در افغانستان و در خانواده‌ی یک فنودال متولد می‌گردد.

خانواده‌ای که از یک سو، ۸ نسل قبلی‌شان به برادر "احمد شاه درانی" برمی‌گردد که پس از مرگ "نادر شاه افشار" حاکمیتی مستقل در افغانستان ایجاد می‌کند و از سوی دیگر از ۴ نسل قبل و از همان ابتداء حضور سرمایه‌های غارتگر انگلستان در این منطقه، به مقاومت علیه سرمایه‌داران جنایت‌کار انگلستان برخاسته است.

مخالفت با دست‌نشانده‌گان انگلستان در افغانستان تا بدان‌جا می‌انجامد که "امیر عبدالرحمان خان" دست‌نشانده‌ی انگلستان، پدر پدربزرگ رفیق "نور"، یعنی "عبدالصمد خان" را نابینا می‌سازد و وی را با ۳ برادر دیگر و به همراه خانواده‌های‌شان به هندوستان تبعید می‌کند و زمین‌های‌شان نیز توسط سائر زمین‌داران تصاحب می‌گردد.

"عبدالستار خان" نوه‌ی "عبدالصمد خان" و پدر رفیق "نوراحمد نور" در سال ۱۸۸۶ در هند متولد می‌شود و در سال ۱۹۱۰ به افغانستان بازگشته و بخشی از زمین‌های اجدادی را بازپس می‌گیرد. وی هم مانند نیاکان‌اش، علیه سرمایه‌های انگلستان به مبارزه می‌پردازد.

رفیق "نور" در سال ۱۹۴۴ وارد لیسه‌ی "حبیبیه"ی شهر کابل می‌شود و در سال ۱۹۵۷ تحصیلات‌اش را به پایان رسانده و در سال ۱۹۵۸ وارد دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل شده و در رشته‌ی روابط بین‌الملل به ادامه‌ی تحصیل می‌پردازد.

از آن جایی که دانشگاه مرکز علم است و نگرش علمی تنها ابزار درک قانون‌مندی‌های تکامل اجتماعی است، رفیق "نور" در ابتداء سنین جوانی دچار تحول ایدئولوژیک می‌شود؛ از طبقه‌ی خودش، یعنی طبقه‌ی فنودال‌ها، یعنی طبقه‌ی زمین‌داران بزرگ افغانستان که در آن زمان طبقه‌ی حاکم هم هستند، جدا می‌شود و به خدمت محکومان جامعه، یعنی کارگران، دهقانان و زحمت‌کشان شهر و روستا در افغانستان و به طور کلی، به خدمت توده‌های محروم و ستم‌دیده‌ی افغانستان درمی‌آید.

رفیق "نور" در ماه نوامبر ۱۹۶۱ در شعبه‌ی آرشیو وزارت امور خارجه‌ی افغانستان مشغول به کار می‌شود.

در ماه سپتامبر ۱۹۶۲ به خدمت سربازی می‌رود و به عنوان محصل مکتب ضابطان احتیاط در منطقه‌ی "بالاحصار" شهر کابل خدمت می‌کند.

در ماه اوت ۱۹۶۳ عضو یکی از حوزه‌های قبل از تاسیس "حزب دمکراتیک خلق افغانستان" می‌شود.

از ماه اکتبر ۱۹۶۳ با درجه‌ی دریم بریدمن در غند (۷۲) فرقه (۸) پیاده در منطقه‌ی "قلعه جنگی" شهر کابل خدمت کرده و در ماه مارس ۱۹۶۴ با درجه‌ی دوهم بریدمن احتیاط خدمت سربازی را به پایان می‌رساند و بلافاصله مجدداً به کار قبلی خود در وزارت امور خارجه افغانستان باز می‌گردد.

در این زمان پدر رفیق "نور" از سوی سائر هم‌طبقه‌ای‌های‌اش، یعنی افراد طبقه‌ی حاکمه در افغانستان تحت فشار قرار می‌گیرد که پسر تو کمونیست شده و علیه ما مشغول فعالیت است و این وظیفه‌ی توست که این مسئله را حل کنی.

"عبدالستار خان" این موضوع را با رفیق "نور" مطرح می‌سازد و رفیق "نور" جهت رهائی پدرش از این مخمصه، با نوشتن متنی اعلام می‌کند که دیگر هیچ تعلق به خانواده‌ی "عبدالستار خان" ندارد و هیچ ادعای مالکیتی هم بر اموال این خانواده ندارد. سپس با چشم‌پوشیدن از رفاه خانه‌ی پدری، در اتاقی محقر در شهر کابل زندگی مستقل خویش را آغاز می‌کند. وی با انتخاب نام فامیلی "نور"، رسماً به طبقه‌ی خود پشت می‌کند و بدین ترتیب گام مهمی را در مسیر زنده‌گی انقلابی‌اش برمی‌دارد.

"عبدالستار خان" به خوبی می‌داند که مسیری که رفیق "نور" در پیش گرفته، علیه منافع طبقه‌ی حاکمه و بالطبع علیه منافع پدرش می‌باشد، اما به خاطر صداقتی که در پسرش می‌بیند همواره از وی حمایت می‌کند تا جایی که بسیاری از جلسات مخفی "حزب دمکراتیک خلق افغانستان" در منزل "عبدالستار خان"، یکی از بزرگترین فنودال‌های افغانستان تشکیل می‌گردند.

رفیق "نور" در ماه نوامبر ۱۹۶۴ از سوی حوزه‌ی محل فعالیت‌اش به عنوان نماینده جهت شرکت در کنگره‌ی موسس "حزب دمکراتیک خلق افغانستان" در اول ژانویه ۱۹۶۵ انتخاب می‌شود.

رفیق "نور احمد نور" به عنوان جوان‌ترین عضو کنگره‌ی موسس افتخار بعدی را نصیب خود می‌سازد.

رفیق "نور" در ماه ژوئن ۱۹۶۵ جهت شرکت در مبارزات انتخاباتی دوره‌ی ۱۲ پارلمان، از وزارت امور خارجه استعفاء می‌دهد و از سپتامبر ۱۹۶۵ تا سپتامبر ۱۹۶۹ به عنوان نماینده‌ی مردم شهر محل تولدش "پنجوانی"، در پارلمان افغانستان از منافع زحمت‌کشان افغانستان دفاع می‌کند.

در یکی از جلسات پارلمان، هنگامی که نماینده‌های طبقه‌ی حاکمه در پارلمان به "ببرک کارمل" حمله می‌کنند، رفیق "نور" به دفاع از وی برمی‌خیزد و یکی از این نماینده‌ها، با میکروفون بر سر رفیق "نور" می‌کوبد که باعث بی‌هوشی وی شده و رفیق "نور" چند روزی در بیمارستان بستری می‌گردد.

رفیق "نور" در ماه مه ۱۹۶۶ به عنوان عضو علی‌البدل کمیته‌ی مرکزی "حزب دمکراتیک خلق افغانستان" و در ماه نوامبر همان سال به عنوان عضو اصلی کمیته‌ی مرکزی انتخاب می‌شود.

رفیق "نور" پس از پایان دوره‌ی پارلمان، به عنوان کارمند حرفه‌ای "حزب دمکراتیک خلق افغانستان" در امور تشکیلاتی به فعالیت می‌پردازد.

در نوامبر ۱۹۷۵ به عنوان عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی "حزب"، منتخب کنفرانس حزبی جناح "پرچم" بعد از انشعاب، و در ماه ژوئن ۱۹۷۷ به عنوان عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی "حزب"، منتخب کنفرانس وحدت هر دو جناح "خلق" و "پرچم" انتخاب می‌شود.

در سال ۱۹۷۷ رفیق "نور" و بانو "شمیم شفیع" با همدیگر ازدواج می‌کنند.

با قیام نظامی ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ یک "شورای نظامی" ایجاد می‌شود که در ۲۹ آوریل خود را در کمیته مرکزی "حزب دمکراتیک خلق افغانستان" ادغام می‌کند و بدین ترتیب "شورای انقلابی" شکل می‌گیرد و رفیق "نور" به عنوان عضو کمیته مرکزی "حزب"، شامل "شورای انقلابی" می‌گردد.

رفیق "نور" در اول می ۱۹۷۸ به عنوان وزیر داخله تعیین گشته و در ۵ می همان سال آغاز به کار می‌کند.

اما به علت تضادهای درون حکومتی، در ۱۷ ژوئن ۱۹۷۸ رفیق "نور" از مقام وزارت خلع شده و به عنوان سفیر کبیر و نماینده‌ی فوق العاده جمهوری دمکراتیک افغانستان در آمریکا تعیین می‌گردد و به همین خاطر جهت آشنایی با اسناد و سوابق امور سفارت افغانستان در آمریکا به وزارت خارجه افغانستان معرفی می‌گردد.

رفیق "نوراحمد نور" در ۵ ژوئیه ۱۹۷۸ از افغانستان به آمریکا می‌رود ولی در ماه اوت ۱۹۷۸ از مقام سفارت هم عزل می‌گردد.

رفیق "نور" در ۵ سپتامبر ۱۹۷۸ آمریکا را ترک کرده و مخفیانه در اروپا زنده‌گی می‌کند تا این که در ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ به افغانستان بازمی‌گردد و در ماه ژانویه ۱۹۸۰ به عنوان دبیر کمیته مرکزی "حزب دمکراتیک خلق افغانستان" و عضو هیئت رئیسه‌ی "شورای انقلابی" انتخاب می‌گردد و بل‌آخره در اواخر ماه مه ۱۹۸۱ به عنوان معاون هیئت رئیسه‌ی "شورای انقلابی" تعیین می‌گردد.

با اینکه جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان کاملن تحت حمایت اتحاد جماهیر شوروی است و به این حمایت هم نیاز کامل دارد، ولی رفیق "نوراحمد نور" در مقابل سیاست‌های غلط ریویزیونیست‌های حاکم بر شوروی می‌ایستد تا این که در ماه ژانویه ۱۹۸۴، دولت شوروی رفیق "نور" را به بهانه‌ی تحصیل در انستیتو علوم اجتماعی شهر "مسکو"، نزدیک به دو سال در تبعید و تحت نظر نگه می‌دارد. همین ریویزیونیست‌ها نیز سرانجام آخرین دست‌آوردهای سوسیالیسم در شوروی را به نابودی می‌کشاند و همچنین افغانستان را به مجاهدین "شورای نظار" تحویل می‌دهند.

روزی از رفیق "نور" سوال کردم وقتی که شما را اجبارن به "مسکو" انتقال می‌دادند، عکس‌العمل حزب و سائر رهبران حزب در مقابل این عمل چه بود؟
رفیق "نور" پاسخ داد که روز عزیمت در فرودگاه کابل "بیرک کارمل" رئیس‌جمهور وقت افغانستان به من گفت: "نورجان، هیچ کاری برای ات کرده نمی‌توانم."

در ماه اکتبر ۱۹۸۵ دوران تبعید در "مسکو" به پایان می‌رسد و رفیق "نور" به افغانستان بازگشته و فعالیت‌های قبلی خود را ادامه می‌دهد.

به خاطر خصوصیت عدم سازش‌کاری و عدم سکوت در مقابل مواضع انحرافی سائر رهبران حزبی و دولتی، رفیق "نور" در زمان ریاست‌جمهوری "نجیب‌اله" نیز به تبعید اعزام می‌شود.

با این که رفیق "نوراحمد نور" یکی از رهبران موثر افغانستان است ولی همواره به عنوان سفیر، به خارج از افغانستان اعزام می‌گردد و از جامعه و مردم‌اش دور نگه داشته می‌شود.

رفیق "نور" در ماه مارس ۱۹۸۸ به عنوان سفیر کبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در لهستان منصوب شده و تا ماه ژوئیه ۱۹۸۹ به انجام این وظیفه می‌پردازد.

سپس در ماه اوت ۱۹۸۹ به عنوان سفیر کبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در "سازمان ملل متحد" تعیین می‌شود؛ و با این که وی را در ماه ژوئن ۱۹۹۰ به عضویت هیئت اجرایی شورای مرکزی "حزب وطن" منصوب می‌سازند، اما رفیق "نور" را تا ماه دسامبر ۱۹۹۰ همچنان در خارج از افغانستان نگه می‌دارند و سپس وی را از ماه ژانویه ۱۹۹۱ تا ماه ژوئن ۱۹۹۲ سفیر کبیر و نماینده‌ی فوق‌العاده دولت افغانستان در کوبا می‌سازند.

در ماه نوامبر ۱۹۹۱ دولت روسیه از حمایت "حزب" و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان کاملن دست می‌کشد و تصمیم می‌گیرد افغانستان را به "شورای نظار" تحویل بدهد.

روزی در مورد تحولات افغانستان در دوران جابه‌جائی قدرت، از رفیق "نور" سوال کردم که شما در این زمان هنوز عضو هیئت اجرایی شورای مرکزی "حزب وطن" هستید، آیا در مورد مذاکراتی که رهبران حزب با "گلبدین حکمت‌یار" و "احمدشاه مسعود" جهت انتقال قدرت انجام می‌دادند، از شما هم نظرخواهی می‌شد؟ و رفیق "نور" پاسخ داد: ابدن! من از طریق دوستانم مطلع می‌شدم ولی هیچ‌گاه به طور رسمی مورد نظرخواهی تشکیلاتی قرار نگرفتم.

سرانجام رفیق "نوراحمد نور" در ۸ سپتامبر ۱۹۹۴ به همراه خانواده‌اش وارد هلند می‌شود و در سال ۱۹۹۵ اجازه‌اقامت در هلند را می‌گیرد. اما در این جا نیز دولت امپریالیستی هلند وی را آسوده نمی‌گذارد.

رفیق "نور" از آغاز سال ۱۹۹۹ مورد مصاحبه‌های متعدد قرار می‌گیرد تا این که در اواخر نوامبر ۲۰۰۲ اجازه‌اقامت در هلند را از وی پس می‌گیرند؛ به بهانه‌ی این که رژیم جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان نقض حقوق بشر کرده است و رفیق "نور" هم به عنوان یکی از رهبران اصلی این رژیم، در نقض حقوق بشر سهیم بوده است.

دادستانی دولت هلند با تشکیل یک تیم مخصوص، از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۴، تحقیقات وسیعی را در سراسر جهان جهت یافتن سند جرم علیه رفیق "نور" انجام می‌دهد و سرانجام طی نامه‌ای به رفیق "نور"، زبوانه اعتراف می‌کند که هیچ سندی دال بر محکومیت "نوراحمد نور" یافت نشده است، اما وی باید هلند را ترک کند و رفیق "نور" پاسخ می‌دهد که من به هلند آمده‌ام و از هلند هم خارج نخواهم شد و خارج هم نشد.

رفیق "نوراحمد نور" با تعهد کامل در دفاع از محرومان جامعه‌ی افغانستان، تا آخرین روزهای زنده‌گی‌اش، در کنار سائر هم‌زمان‌اش، با صداقت کامل و خسته‌گی‌ناپذیر، به طور سازمان‌یافته و تشکیلاتی به دفاع از منافع توده‌های زجرکشیده‌ی افغانستان می‌پردازد و در شامگاه ۵ ژانویه ۲۰۲۴ فوت می‌کند.

به طور کلی، مواضع و عمل‌کردهای سیاسی - طبقاتی رفیق "نوراحمد نور"، وی را کاملن از سائر هم‌زمان‌اش متمایز می‌سازد و همه‌ی این‌ها، شخصیتی برتر را در تاریخ معاصر افغانستان پدیدار می‌سازد که نه این که کم‌نظیر است، بلکه بی‌نظیر است.

ستاره‌ی نام رفیق "نوراحمد نور" در اوج آسمان جنبش انقلابی افغانستان تا ابد خواهد درخشید و یاد وی در ذهن و قلب انقلابیون افغانستان تا ابد جاودانه خواهد ماند.

گر بدین سان زیست باید پاک
من چه ناپاک‌ام اگر نشانم از ایمان خود، چون کوه
یادگاری جاودانه، بر تراز بی‌بقای خاک.
"احمد شاملو"

متشکرم!

بهمن آرام
هلند، ۳ فوریه ۲۰۲۴